

نام و نام خانوادگی:		به نام هستی بخش		نام دبیر:	
شماره کلاس:		دبیرستان:		نمره مستمر:	
آزمون فلسفه پایه یازدهم		آزمون خرداد		نمره پایانی:	
ردیف	سوالات	بارم			
الف	گزینه صحیح را انتخاب نمایید.				
۱	از نظر ملاصدرا، ..... کسی است که ..... (۱) واقف- از فطرت ثانی گذر کرده است. (۲) واقف- از فطرت اول گذر کرده است. (۳) واقف- از فطرت اول گذر کرده است. (۴) واقف- به فطرت ثانی رسیده است.	۰/۵			
۲	کدام گزینه درباره سوفیست‌های عم عصر سقراط <u>نارست</u> است؟ (۱) در استدلال‌های خود از مغالطه کمک می‌گرفتند. (۲) مهم‌ترین هدف خود را آموزش سخنوری می‌دانستند. (۳) برای حقیقت و واقعیت، ارزش و اعتباری قائل نبودند. (۴) بیشتر به تعلیم سخنوری و وکالت اشتغال داشتند.	۰/۵			
۳	چه چیزی یک دسته از سوالات را تحت عنوان فلسفه جمع کرده است؟ (۱) پرسش از چیستی و چرایی بنیادی‌ترین امور (۲) پرداختن به تخصصی‌ترین سوالات (۳) پرسش از مهم‌ترین امور زندگی انسان (۴) رسیدن به مهم‌ترین نتایج از آن دسته سوالات	۰/۵			
۴	نخستین گام در یک مسیر تفکر فلسفی درست کدام است (۱) داشتن معیار برای پذیرش جواب (۲) ارائه استدلال صحیح (۳) تشخیص مسائل اصلی و فرعی (۴) آگاهی از مجهولات و دانسته‌های خود	۰/۵			
۵	از چه رو فلسفه با علوم گوناگون پیوند برقرار می‌کند؟ (۱) از هستی و قواعد وجود بحث می‌کند. (۲) علوم را از آن حیث که علم هستند بررسی می‌کند. (۳) به ویژگی‌های مشترک علوم توجه می‌کند. (۴) در هر موضوعی به بنیادی‌ترین مسائل آن می‌پردازد.	۰/۵			
۶	آیا ممکن است که انسان‌های فلسفه نخوانده نیز، فهمی فلسفی از باورهای خود داشته باشند؟ (۱) بله، زمانی که فارغ از مشغولات زندگی، چرایی باورهای خویش را می‌جویند. (۲) خیر، زیرا حتی با سال‌ها تفکر نیز نمی‌توان به مفاهیم اساسی فلسفه دست یافت. (۳) بله، زیرا این خودمان هستیم که بنیان‌های فکری خود را می‌سازیم. (۴) خیر، چه بسا انسان‌هایی که هرگز در طول زندگی فرصت تفکر نداشته باشند.	۰/۵			

صفحه دوم

۰/۵	<p>۷ ملاک حقیقی بودن یک باور چیست؟</p> <p>(۱) مطابقت با واقعیت</p> <p>(۲) دلیل و استدلال داشتن</p> <p>(۳) متعصبانه نبودن</p> <p>(۴) نظم و پیوستگی داشتن</p>	۷
۰/۵	<p>۸ کدام مطلب درباره پارمیندس و افکارش درست است؟</p> <p>(۱) برای نخستین بار به تمایز میان حرکت و شدن پی برد.</p> <p>(۲) معتقد بود ماده جهان حقیقتی واحد است که خاموش می شود و دوباره برمی فروزد.</p> <p>(۳) او مفهوم وجود را به روشنی درک کرده و درباره آن بحث کرده است.</p> <p>(۴) افلاطون در سنین جوانی با پارمیندس که مردی ۶۵ ساله بود ملاقات کرده است.</p>	۸
۰/۵	<p>۹ کدام دیدگاه به هراکلیتوس تعلق ندارد؟</p> <p>(۱) وجود، حتی در اضداد، امری ثابت و پایدار است.</p> <p>(۲) وجود امور متضاد است که جهان هستی را می سازد.</p> <p>(۳) حقیقت جهان چیزی نیست جز تغییرات دائمی.</p> <p>(۴) جهان هستی یک سره در تغییر و تحول و ستیزه است.</p>	۹
۰/۵	<p>۱۰ کدام گزینه درباره «روش سقراطی» درست است؟</p> <p>(۱) موضوع بحث اکثراً از مباحث اساسی جهان هستی انتخاب می شد.</p> <p>(۲) وقتی مخاطب از پاسخ دادن باز می ماند، سقراط حقیقت را بیان می کرد.</p> <p>(۳) از دل هر پاسخی که مخاطب می داد، سقراط پرسش دیگری بیرون می کشید.</p> <p>(۴) پرسش های پی در پی او از مخاطب، موجب ناتوانی فرد در کشف حقیقت می شد.</p>	۱۰
۰/۵	<p>۱۱ راز پیام سروش معبد دلفی چه بود؟</p> <p>(۱) آنان که بیش از همه به دانایی مشهورند، از دیگران نادان ترند.</p> <p>(۲) داناترین انسان آن کسی است که به نادانی اش آگاه است.</p> <p>(۳) هر که به نادانی مشهورتر باشد، در حقیقت داناتر از دیگران است.</p> <p>(۴) دانای حقیقی کسی نیست جز خداوند و دیگران نادانند.</p>	۱۱

صفحه سوم

۰/۵	همین که الان این سؤال را می‌خوانیم نشان می‌دهد ..... (۱) قطعاً پاسخ این سوال را می‌دانیم. (۲) از طریق حواس می‌توان به شناخت درست رسید. (۳) برای معرفت و آگاهی انسان هیچ حد و مرزی نیست. (۴) هزاران هزار معرفت در ما وجود دارد.	۱۲
۰/۵	کدام گزینه درباره شکاک مطلق درست است؟ (۱) شناخت تجربی را ناممکن می‌داند. (۲) به وجود عقل در آدمی قائل نیست. (۳) چنین کسی هرگز وجود ندارد. (۴) سوفسطائیان عصر سقراط از این گروه بودند.	۱۳
۰/۵	کدام گزینه نظر ابن سینا را درباره قانون علیت توضیح می‌دهد؟ (۱) این قانون از قواعد اولیه عقل است. (۲) حاصل همکاری حس و عقل است. (۳) بر مبنای تجربه عقلی استوار است. (۴) در هر پدیده‌ای یافت می‌شود.	۱۴
<b>ب) تکمیل کنید.</b>		
۰/۲۵	اگر بخواهیم یک دسته از موجودات را که دارای یک ویژگی خاص هستند بررسی کنیم باید سراغ ..... برویم.	۱۵
۰/۲۵	پایه زندگی انسان به لحاظ معرفت شناسانه بر ..... استوار است.	۱۶
۰/۵	اداره داشتن از طریق درون‌نگری درک ..... و اراده داشتن دیگری از طریق درون‌نگری درک .....	۱۷
<b>ج) تعیین کنید کدامیک از عبارات ذیل صحیح و کدام یک غلط است. (ص / غ)</b>		
۰/۲۵	پرسش «آیا می‌توان با استفاده از عقل، عالم مادی را شناخت؟» پرسش معرفت شناسانه است.	۱۸
۰/۲۵	درک صفات خدا از طریق تعقل محض میسر است ولی درک وجود موجودات جزئی، اینطور نیست.	۱۹
۰/۲۵	مبانی علوم طبیعی توسط دانشمندان علوم تجربی تبیین و توضیح داده می‌شود.	۲۰
<b>د) پاسخ کوتاه دهید.</b>		
۰/۵	شناخت تجربی حاصل چیست؟	۲۱
۰/۵	اشتراک معرفت شهودی و وحیانی در چیست؟	۲۲

## صفحه چهارم

(ه) پاسخ کامل دهید.

۱	دیدگاه معرفت شناسی پارمنیدس را شرح دهید؟	۲۳
۱	دیدگاه معرفت شناسی سوفیستها را شرح دهید؟	۲۴
۱/۵	دیدگاه معرفت شناسی کانت را شرح دهید؟	۲۵
۱	داروینیستها را درباره ماهیت انسان را شرح دهید؟	۲۶
۱	نظر دکارت و افلاطون را درباره ماهیت و چیستی انسان مقایسه کنید؟	۲۷
۱/۵	نظر ابن سینا را درباره ماهیت انسان شرح دهید؟	۲۸
۰/۵	منظور سهروردی از مشرق کامل و مغرب کامل چیست؟	۲۹
۱/۵	نظر کانت را در رابطه با معیار فعل اخلاقی شرح دهید؟	۳۰
۱/۵	نظر فیلسوفان طبیعت‌گرا را راجع به معیار فعل اخلاقی شرح دهید؟	۳۱

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

دانشجوی دبیری علوم اجتماعی- دانشگاه فرهنگیان، پردیس نسیمیه تهران

۴.۱	۲.۲	۱.۳	۴.۴	۴.۵	۱.۶	۲.۷
۱.۸	۳.۹	۳.۱۰	۲.۱۱	۳.۱۲	۴.۱۳	۱.۱۴
۱۵.حس	۱۶.عقل	۱۷.شهودی-وحی الهی	۱۸.صحیح	۱۹.غلط		
۲۰.غلط	۲۱.همکاری حس و عقل	۲۲.بی واسطه بودن				

۲۳. معتقد بود که شناخت حسی به دلیل خطاهایی که گاه در حواس رخ میدهد، اعتبار ندارد و نمیتوان بدان تکیه کرد. به همین جهت پارمنیدس معتقد بود که حرکت وجود ندارد و همه اشیا در ثبات و پایداری هستند.

۲۴. سوفسطائیان به سبب همین اختلاف نظرها و مغالطه‌هایی که خودشان بدان متوسل میشدند، اصل امکان شناخت واقعیت را زیر سؤال برده و مدعی بودند که نه از راه حس و نه از راه عقل، میتوان به حقیقت رسید و اگر چیزی را حس میکنیم بدان معنا نیست که حس ما از یک واقعیت بیرونی خبر دهد. به عبارت دیگر، ما چیزی جز احساس در اختیار نداریم.

۲۵. وی با طرح دیدگاهی جدید کوشش کرد هم اعتبار عقل و هم تجربه را اثبات کند و نشان دهد که معرفت، حاصل همکاری عقل و حس است. کانت بر آن است که قوه ادراکی انسان تصوراتی مثل زمان و مکان و مفاهیمی مانند علیت را نزد خود دارد و آنها را از راه حس و تجربه به دست نمی‌آورد. به نظر کانت، انسان آنچه را که از طریق حس به او میرسد، در قالب این مفاهیم درک میکند.

۲۶. فیلسوفانی هستند که از نظریه داروین درباره پیدایش حیات و تحول تدریجی موجودات زنده و پیدایش انسان از حیوان نتایج فلسفی گرفتند و گفتند که انسان چیزی نیست، جز یک حیوان راست قامت؛ با این تفاوت که از سایر حیوانات پیچیده تر است و همان طور که یک کرم با یک پرنده تفاوت ندارد و هر دو حیوان شمرده میشوند، انسان نیز به جز پیچیدگی بیشتر، تفاوت حقیقی با آنها ندارد.

۲۷. دکارت، فیلسوف فرانسوی که هم درباره بدن و هم درباره نفس تحقیق کرده، بدن را ماشینی پیچیده میدانند که به طور خودکار فعالیت میکند. اما این بدن، حقیقت «من» انسان را تشکیل نمیدهد. از نظر وی «من»، همان «روح» یا

«نفس» است که مرکز اندیشه های ماست. این روح است که استدلال میکند، میپذیرد یا رد میکند. روح و بدن کاملا از یکدیگر مجزا هستند و خاصیت های متفاوت دارند، گرچه با یکدیگر هستند و روح از بدن استفاده میکند. روح از قوانین فیزیکی آزاد است ولی بدن مانند دیگر اجسام از قوانین فیزیکی تبعیت میکند و آزاد نیست.

افلاطون به صورت روشن بیان کرد که انسان، علاوه بر بدن، دارای حقیقتی برتر است که محدودیت های بدن را ندارد. این حقیقت برتر همان نفس است که قابل رؤیت نیست. از نظر افلاطون، نفس با ارزشترین دارایی انسان است و توجه و مراقبت از نفس باید وظیفه اصلی هر انسانی باشد تا بدین وسیله نفس زیبا شود و به فضایل آراسته گردد.

۲۸. ابن سینا معتقد است که وقتی بدن انسان دوره جنینی را در رحم مادر گذراند و به مرحله ای رسید که صاحب همه اندام های بدنی شد، خداوند روح انسانی را به آن عطا میکند. این روح، که جنبه غیرمادی دارد و از جنس موجودات مجرد است، استعداد کسب علم از طریق تفکر را دارد. این روح همچنین میتواند اموری از قبیل اخلاق، عشق، دوستی، نفرت، پرستش و معنویت را دریابد و آنها را در خود پدید آورد.

۲۹. و میگفت خدا یا همان نورالانوار، مشرق عالم است و از خداست که انوار بعدی طلوع میکنند. آنجا که نور وجود به پایین ترین حد خود میرسد، مغرب عالم قرار گرفته است. وی نفس انسانی را حقیقتی مربوط به مشرق عالم میداند که از مشرق وجود دور افتاده و مشتاق بازگشت به آنجاست.

۳۰. کانت، فیلسوف قرن هجدهم آلمان، عقیده دارد که معیار فعل اخلاقی را باید در « وجدان اخلاقی»، جست و جو کرد. کانت میگوید هر انسان در درون خود حقیقتی به نام وجدان اخلاقی دارد که او را به سوی عمل خیر اخلاقی دعوت میکند. هر کاری که انسان آن را صرفا برای اطاعت از وجدان خود انجام دهد و هیچگونه هدف و منفعت شخصی در آن نداشته باشد، خیر اخلاقی شمرده می شود. مثلا اگر انسان عدل را نه به خاطر تشویق و تمجید دیگران و نه حتی برای رسیدن به سعادت، بلکه فقط بدان جهت که وجدان بدان دعوت میکند، انجام دهد، فضیلت شمرده میشود. او میگوید: «برطبق قاعده ای عمل کنید که بتوانید اراده کنید که قاعده مزبور قانون کلی و عمومی شود.»

۳۱. فیلسوفان طبیعتگرا و ماتریالیست و عموم کسانی که بعد معنوی و روحی را قبول ندارند، ریشه های فعل اخلاقی را در همان رفتار طبیعی انسان جست و جو میکنند. از نظر این دسته از فلاسفه، گروه انسان، مانند سایر موجودات، هر کاری را برای منافع طبیعی خود انجام میدهد. بنابراین «خوب» و «بد» عناوینی هستند که خود ما به هر کار میدهیم، بسته به اینکه آن کار به سودمان باشد یا به ضرمان.